

جسارت و احتیاط، تعیین کننده فرهنگ ایران

با وجود این کمبودها می توان رویکردی متفاوت را پیشنهاد نمود که یک سری اقدامات محدودسازی یک جانبه را توسط آمریکا و تلاش های مداوم چندجانبه ای که به رفتارهای مخالف با هنجارهای بین المللی ایران معطوف می شود شامل می گردد. برای این منظور آمریکا باید به جای اتخاذ استراتژی تحدید گستره نفوذ ایران، فشارهای بین المللی را بر این کشور بیشتر کند در عین حال، آمریکا باید از اقدامات یک جانبه هم که ممکن است درگیری با ایران را دامن بزند بپرهیزد، زیرا این گونه اقدامات هیچ گونه تأثیری نخواهند داشت و تنش ها را به شدت تشدید خواهند کرد. فشارهای چندجانبه - هنگامی که با سیاست و گفتار دوستانه تر آمریکا درآمیزد - می تواند تأثیرگذارتر از سیاست های گذشته باشد. با این همه، احتمال این که روسیه و چین از این رویکرد حمایت کنند قابل تردید است.

این رویکرد می تواند شامل اجزای زیر باشد:

- ادامه دادن به تقویت تحریم های بین المللی و دیگر فشارهای مالی در رابطه با مسأله هسته ای و اجتناب از اقدامات تنبیهی یک جانبه که حمایت گسترده ایجاد نمی کند.
- پیگیری مذاکرات دوجانبه مربوط به حوزه های مشترک المنافع، همانند بی ثباتی در عراق و افغانستان، قاچاق مواد مخدر، مسایل مربوط به پناهندگان و دیگر بحران های بشردوستانه.
- انتشار بیانیه های بدون ابهام در مورد منافع و مقاصد آمریکا در منطقه - به خصوص در رابطه با عراق.
- تلاش برای ایجاد چارچوب امنیتی چندجانبه در منطقه که هم ایران را شامل شود و هم نسبت به نیازهای دوستان و هم پیمانان عرب آمریکا حساس باشد.

گرچه ایجاد یک ساختار امنیتی چندجانبه در منطقه خلیج فارس مدتی طول خواهد کشید، اما این مسأله بیشتر به ایجاد ثبات منطقه ای در طولانی مدت کمک می کند تا این که تنها بر استراتژی های رقابتی موازنه قدرت که برای به انزوا کشیدن ایران طراحی شده، تکیه داشته باشد. چنین استراتژی های محدودی، تنها قدرت ایران را بیشتر می کنند. به علاوه، سیاست تحدید نفوذ ایران از سوی آمریکا نمی تواند در بین کشورهای حوزه خلیج فارس دوام داشته باشد، زیرا این کشورها حتی اگر روابط سیاسی و اقتصادی فعالی هم با ایران نداشته باشند، خواستار ایجاد روابط دوستانه با این کشور هستند. ■

ارزیابی ها از استراتژی منطقه ای ایران نشان دهنده تمایل رقابتی این کشور به سوی ماجراجویی و عمل گرایی است که این مسایل از عوامل زیادی ناشی می شوند. بسیاری از افراد در حکومت ایران، این کشور را به چشم یک قدرت بلامنازع منطقه و مدلی برای روشنفکری اسلامی و سرآمد کشورهای اسلامی منطقه می دانند که بین آسیا و خاورمیانه پلی جغرافیایی ایجاد می کند. با توجه به چنین ویژگی هایی، می توان استنباط کرد که ایران علاوه بر آن که به دنبال ایفای نقش بزرگتری در امور منطقه است، می خواهد تصویر استراتژیک خود را هم در صحنه جهانی بزرگ جلوه دهد.

اما اینها بدین معنی نیست که ایران کشوری توسعه طلب و شورشی است، زیرا ایدئولوژی انقلابی آن به طور آشکار در اظهارات مقامات این کشور مطرح شده است. به هر حال، رفتارهای گذشته ایران نشان می دهد که چنین دیدگاه هایی، بیشتر کلام سیاست خارجی ایران به شمار می روند تا این که عامل تعیین کننده آن باشند. ملی گرایی، حاکمیت و بقای نظام، انگیزه های اساسی تری برای رفتارهای خارجی ایران هستند. به عنوان مثال، حتی در عراق تحت سلطه شیعیان - که ایران تمایل دارد با حاکمیت روحانیون اداره شود - ایران به دنبال این نیست که اهداف انقلابی خود را انتقال دهد. این روزها بسیاری از مقامات تهران، آمریکا را به عنوان یک قدرت آشوب طلب ضد جریانات موجود می دانند که با انتقال سکولاریزم، دموکراسی و این اواخر هم فرقه گرایی به خاورمیانه، به دنبال تغییر شکل آن است.

الگوی جدید برای سیاست آمریکا

آمریکا طی سال های اخیر، رویکردهای گوناگونی را برای پرداختن به چالش ایران امتحان کرده که هیچ یک از آنها تاکنون نتوانسته اند در سرهای این کشور را برای منافع آمریکا کمتر و یا آن را نسبت به قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل مطیع تر گردانند. از طرفی، اعمال سیاستی همانند جنگ سرد علیه ایران برای تحدید نفوذ این کشور، ویژگی های ژئوپلیتیک منطقه ای و فرهنگ استراتژیک ایران را در بر نمی گیرد و تنها بر ایجاد روابط دوجانبه ای متکی است که با امید به انجام معامله ای بزرگ، اما غیرواقعی صورت می پذیرد.

مشکلات بازار ثانویه سرمایه کشور

بازار ثانویه، نیازمند هوای تازه

بورس کشور نیازمند توسعه سریع تر و رهایی از ریسک های سیستماتیک است.

قرار بگیرد و از همین رو بازار ثانویه سرمایه کشور همچنان نتوانست به جایگاه واقعی خود برسد. اما با پایان یافتن جنگ و تلاش برای بازسازی همه جانبه کشور، بازار سهام بار دیگر مورد توجه تصمیم گیران اقتصادی

راه اندازی و تولد بورس اوراق بهادار در سال ۴۶ به دنبال تصویب قانون تأسیس بورس در سال ۴۵، فعالیت بازار سهام در مقطع زمانی سال های ۵۷ تا ۶۸، دوره پس از جنگ تحمیلی و فعالیت بورس اوراق بهادار پس از تصویب قانون جدید بازار سرمایه در آذر ۸۴ چهار دوره تاریخی بازار سرمایه ایران را شکل می دهند.

در نخستین دوره، فعالیت بورس اوراق بهادار و بازار سهام، همانند کشورهای توسعه یافته در مرکز توجه قرار گرفت، اما به دلیل عدم شناخت کافی و تخصصی نسبت به پیچ و خم این بازار، توسعه نیافته بودن اقتصاد کشور، فقر اقتصادی و فقدان نیروی انسانی کارآمد در این حوزه، نتوانستیم شاهد جهش و خیز بازار سهام باشیم. دوره دوم به دلیل همزمانی با انقلاب اسلامی و ویژگی های اقتصادی کشور در آن مقطع، میل به مالکیت و مدیریت دولتی، تمرکز بر بخش های دیگر اقتصاد و ربا دانستن معاملات اوراق قرضه، به نیمه تعطیل شدن بازار سهام منجر شد. در دوران جنگ، قطعاً بازار سرمایه نمی توانست در اولویت کاری مردان اقتصادی کشور



قرار گرفت، به طوری که بازار سرمایه به یکی از محورهای اصلی برنامه پنج ساله اول تبدیل شد. از سال ۶۸ به بعد، اگرچه بازار سرمایه روند رو به رشدی را در پیش گرفت، اما این روند با محدودیت های اقتصادی، قانونی و زیرساختی مختلفی مواجه شد. تصویب قانون جدید بازار اوراق بهادار کشور در آذر ۸۴ نقطه عطف تحولات این بازار به شمار می رود. در این قانون، بخش نظارتی و اجرایی بازار سرمایه از یکدیگر تفکیک شدند تا فعالیت های این بازار با تمرکز بیشتری پیش رود. ◀ ابلاغ

اصلی بازار سهام در سال گذشته بود که خوشبختانه در سال جاری از بسته پیشنهادی بانک مرکزی حذف شده است. از سوی دیگر با قطعیت می‌توان گفت که فرهنگ‌سازی مناسبی در حوزه بورس انجام نشده و آشنا نبودن افراد با بازار سهام موجب عدم تمایل آنان برای ورود به این بازار شده است. این در حالی است که توسعه بازار سهام گامی محکم به سوی رشد و تعالی اقتصادی کشور به شمار می‌رود؛ چراکه بازار سهام می‌تواند با جذب نقدینگی‌های سرگردان از تورم فزاینده جلوگیری کرده و رونق اقتصادی را دربرداشته باشد. در مقابل، چنانچه بازار سرمایه به تنهایی رشد یابد، از دیگر ارکان اقتصادی کشور جلوتر رفته و قطعاً نتایج آن کم‌رنگ‌تر به چشم می‌آید. در این شرایط برای رسیدن به بازار سرمایه پیشرفته و در نتیجه اقتصادی توسعه‌یافته باید نظارت بازار سرمایه و محیط پیرامون فعالیت‌های آن با تغییر و تحول همراه شود. همچنین بازار سهام نیازمند خروج از تک محصولی بودن و ورود ابزارهای نوین مالی متفاوت است که خوشبختانه در دستور کار مسئولان بورس کشور قرار دارد.

علاوه بر موارد فوق، جلب اعتماد سرمایه‌داران داخلی و خارجی مهمترین عامل برای جذب سرمایه‌هایی است که به دنبال محلی امن برای خود هستند. اصلاح قانون سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند تا حد زیادی به این مسأله کمک کند. به علاوه نباید فراموش کرد که با انفجار جمعیتی در سال‌های ۵۵ تا ۶۵ هم‌اکنون این گروه جمعیتی با توجه به سن خود نیازمند اشتغال هستند که با توجه به تابع تولید در اقتصاد، برای ایجاد اشتغال برای آنان نیازمند سرمایه هستیم که در شرایط فعلی کشور، بازار سرمایه - چه اولیه، چه ثانویه - می‌تواند یکی از بهترین مراکز جذب سرمایه باشد. همچنین باید شرایط کلی کشور را به گونه‌ای تصویر کرد که سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی نگران از دست دادن سرمایه‌های خود نبوده و با ریسک‌های کلان و سیستماتیک رویه‌رو نباشند. به امید آن روز. ■

اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری از دیگر مواردی بود که توجه ویژه دولت را به بازار سرمایه و تغییر حرکت اقتصاد کشور از دولتی به خصوصی نوید می‌داد. اما در این حرکت، مشکلات خاصی پابرجا است که نمی‌توان به راحتی از کنار آنها عبور کرد. سپری کردن روند صحیح واگذاری‌ها و عرضه سهام به بخش خصوصی واقعی اقتصاد از شبهات این عرضه‌ها به حساب می‌آیند. در اکثر عرضه‌های اولیه سهام شرکت‌های بزرگ دولتی به بخش خصوصی که از طریق بورس انجام می‌شود، بخش شبه‌دولتی نقش پررنگ‌تری را بازی می‌کند. نکته اینجا است که در تنها موردی که یک سهام‌دار خصوصی موفق به خرید بلوکی سهام فولاد مبارکه خوزستان شد، کارشکنی‌های سهام‌داران حقوقی دولتی مانع از راه‌یابی وی به هیأت مدیره گردید. در حالی که نباید به آسانی اجازه عدم اطمینان به بازار را به اشخاصی داد که با هزاران امید سرمایه خود را وارد بازار اوراق بهادار می‌کنند. به علاوه از آنجا که سرمایه‌عاملی فرار به شمار می‌رود، ترس و انصراف یک سرمایه‌گذار می‌تواند مانع از حضور سایرین شود. کمبود نقدینگی، عدم اطمینان به بازار، نبود ابزارهای مالی متفاوت، تک محصولی بودن بازار، معایب موجود در قانون سرمایه‌گذاری خارجی، اقتصاد دولتی، عدم خصوصی‌سازی واقعی، واگذاری سهام به صورت جایزه و عدم فرهنگ‌سازی مناسب در این راستا از دیگر مشکلات بازار سهام به شمار می‌روند که موجب عدم تعادل بازار شده است.

چالش‌های فرا رو

به علاوه تصمیم‌گیری‌های ناگهانی در عرصه اقتصاد، موجب عدم اعتماد سرمایه‌گذاران به بازار می‌شود. در حقیقت، بازار سرمایه متأثر از مسائلی داخلی است که نگذاشته متناسب با تورم، پول جدیدی وارد بازار سهام شود. عرضه اوراق سپرده ۱۹ درصدی بانک‌ها یکی از رقبای

محیط کسب‌وکار در ایران

بوی نفت همه جا پیچیده

دیدگاه دکتر حمید دیهیم، استاد دانشگاه و دبیر انجمن اقتصاددانان ایران در رابطه با فضای کسب‌وکار کشور



فضای کسب‌وکار در ایران از فرهنگ خاصی برخوردار است. اولین مسأله‌ای که اهمیت خاصی داشته و می‌باید در این فضا به آن توجه کرد، عدم کارایی بانک‌ها و نظام بانکی است. از آنجایی که پرداخت وام از سوی بانک به نحو مناسبی صورت نمی‌گیرد - و در حالت کلی بانک‌ها وام در اختیار تولیدکنندگان و بازرگانان قرار نمی‌دهند - در ابتدای امر تولید، مشکلاتی برای تولیدکننده و صنعتگر رخ می‌دهد که در نتیجه آن، معامله‌گران و یا به بیان بهتر، فعالان اقتصادی، با عدم توانایی مناسب مالی رویه‌رو بوده و پول کافی در جهت تولید در اختیار نخواهند داشت. لذا بازاری غیرمتشکل پولی در فضای کسب‌وکار شکل می‌گیرد. دومین مسأله‌ای که در فضای کسب‌وکار ایران همواره تأثیر بسزایی داشته و دارد، مسأله درآمد‌های نفتی است. اقتصاد ایران به دلیل برخورداری همیشگی از این موهبت، تقریباً به رانت حاصل از آن عادت کرده و به اصطلاح همیشه بوی نفت می‌دهد. نکته قابل توجه آن است که هرگاه این مسأله را در هر مدل اقتصاد سنجی قرار دهیم، نتیجه معنی‌داری به دست خواهد آمد که نشان‌دهنده تأثیرگذاری بخش نفت بر تمام بخش‌ها و زیر بخش‌های اقتصاد کشور است.

نتیجه آن که کسب‌وکار در کشور ما آنچنان تأثیرپذیر از نفت و درآمدهای حاصله از آن است که همواره در سال‌هایی که درآمد نفت افزایش می‌یابد، کسب‌وکار در ایران رونق می‌گیرد و زمانی هم که با کاهش درآمدهای نفتی رویه‌رو می‌شویم، از طرق مختلف و با به بارنشستن انواع و اقسام نتایج در تمامی بخش‌های درگیر اقتصاد، آثار نامطلوب آن را می‌توان بر فضای کسب‌وکار کشور مشاهده کرد. اگر بخواهیم آثار مطلوب این کاهش را دسته‌بندی کنیم، یقیناً در دسته اول، درآمدهای دولت هستند که تحت تأثیر قرار می‌گیرند. به دنبال کاهش این درآمدها، مخارج دولت تحت تأثیر قرار می‌گیرند، به صورتی که با کاهش درآمدهای نفتی، مخارج دولتی نیز محدود می‌شوند. نتیجه آن که دولت هم معمولاً این محدودیت در مخارجش را به صورت کاهش مخارج جاری و عمرانی با نسبت‌های مختلف عملی می‌نماید. بنابراین تقاضای کل کشور کاهش خواهد یافت و به دنبال آن شاهد از رونق افتادن و بروز